



مقطع تحصیلی: کاردانی کارشناسی رشته: روابط عمومی ترم: سال تحصیلی: ۹۹-۹۸
نام درس: سواد رسانه ای نام و نام خانوادگی مدرس: فریده مطیعی
آدرس email مدرس: تلفن همراه مدرس 0921-2796071

جزوه درس: ... سواد رسانه ای
text: دارد ندارد
voice: دارد ندارد
power point: دارد ندارد
تلفن همراه مدیر گروه:

با نام و یاد خداوند مهربان

سواد رسانه ای - جلسه دهم

تجربه‌ها (در آموزش سواد رسانه ای):

۱- حوزه میان فردی

۲- حوزه نهادهای فرهنگی

حوزه میان فردی: افراد چه کمکی می‌توانند به دیگران بکنند تا سواد رسانه‌شان را افزایش دهند؟

الف) وساطت میان فردی:

وساطت در برگیرنده ساز و کارهایی است که پدر و مادر برای کمک به فرزندان خود در رویارویی با رسانه‌ها، به ویژه تلویزیون، به کار می‌بندند. این یک نگرانی است زیرا بچه‌ها زیاد تلویزیون می‌بینند و احتمالاً به تنهایی هم تماشا می‌کنند. نتیجه یک نمونه‌گیری در امریکا نشان داده است که بچه‌ها، ۲/۵ ساعت در روز تلویزیون می‌بینند و تقریباً ساعت دیگری را در روز در جلوی بازی‌های ویدیویی یا رایانه‌ای می‌گذرانند. و این میزان بیشتر از زمانی است که صرف تکالیف درسی می‌کنند.

بنابراین این حجم از رویارویی با رسانه، برای پدر و مادران نگران‌کننده است. و تلاش می‌کنند که فرزندان خود را در برابر تاثیرات احتمالی زیان‌آور تلویزیون محافظت کنند. سه ساز و کار با نام‌های وساطت سازنده، وساطت محدودکننده و همراهی در تماشا وجود دارد. در وساطت سازنده، پدر و مادر جنبه‌های خاص برنامه‌ها را توضیح داده و یا درباره آن بحث می‌کنند. در وساطت محدودکننده، پدر و مادر برای تماشای تلویزیون مقرراتی را



تعیین می‌کنند یا این که بچه‌ها را از تماشای برنامه‌های خاصی بازمی‌دارند. در همراهی در تماشای پدر و مادر و بچه‌ها به سادگی در کنار هم تلویزیون می‌بینند.

(ب) استفاده از درجه‌بندی برنامه:

یعنی استفاده از رتبه‌بندی فیلم‌هاست که از سوی انجمن امریکایی تصاویر متحرک در سه دهه گذشته انجام شده است.

(پ) روش اثرگذار چیست؟

(ت) شیوه‌های ارتباطات خانوادگی

(ث) نقد تاثیر میان فردی و پیشنهادها

(۲) حوزه نهادهای فرهنگی

○ ارتقای سواد رسانه ای در نظام آموزش:

از دیدگاه آندره برن، سواد رسانه ای باید آمیزه ای از سه حوزه وابسته به هم باشد: نخست حوزه فرهنگی است. که در این حوزه افراد شکل و محتوای مختلف فرهنگ رسانه ای را تجربه می‌کنند. دوم حوزه خلاقیت، که در آن مهارت های خلاقانه افراد نظیر مهارت های بیانی، ارتباطی و مشارکت جویانه در استفاده از رسانه در حوزه عمومی مطرح می‌شود.

سوم، حوزه انتقادی است. که در آن افراد مهارت های انتقادی را در تحلیل و ارزیابی خروجی های رسانه کسب می‌کنند و در نهایت به تصمیم گیری عاقلانه ای مبنی بر این که چه باوری از رسانه داشته باشند، منجر می‌شود.

اهمیت سواد رسانه ای در دنیای امروز کمتر از سواد خواندن و نوشتن نیست. چرا که بدون این سواد نمی‌توان گزینش های صحیح از پیام های رسانه ای داشت. و این خود زمینه سازی برای آموزش این نوع سواد در کنار سواد خواندن و نوشتن در نظام آموزشی کشور ایجاد می‌کند. در این بین نهادهای اجتماعی-آموزشی همچون آموزش و پرورش و دانشگاه ها به عنوان متولیان امر نقش عمده ای بر عهده دارند.



سواد رسانه ای اختصاص به گروه یا طبقه خاصی ندارد و همه افراد جامعه را در برمی گیرد، اما به دلیل این که در سنین نوجوانی ظرفیت پذیرش بالاتری وجود دارد، سواد رسانه ای بیشتر برای کودکان و نوجوانان مطرح است. چرا که با پیشرفت تکنولوژی های نوین و روش های انتشار پیام، یک نوع پیچیدگی زبانی در رسانه ها به وجود می آید که به تناسب آن باید شهروندان توانایی بهره گیری از این رسانه ها را داشته باشند. از این رو اگر دولت ها نسبت به توانمند سازی بی تفاوت باشند، جامعه به دو گروه تقسیم می شود که یک گروه توانایی درک پیام ها را دارند و گروه دیگر از غافله عقب می مانند.

مهارت های تفکر:

منظور از مهارت های تفکر، مجموعه مهارت های اساسی و پیشرفته ای است که بر فرایندهای ذهنی فرد تسلط دارد. در گذشته این طور تصور می شد که مهارت های تفکر فقط یک استعداد خاص است که ارثی و خدادای است، ولی امروزه این نظریه کاملاً رد شده و عقیده بر آن است که این مهارت ها قابل آموزش و یادگیری هستند و ضرورت دارد که در امر تربیت، فرصت هایی فراهم شود تا افراد بتوانند از سنین پایین این مهارت ها را آموخته و در اثر تمرین بر آنها مسلط شوند.

نقد:

نقد کردن یعنی پرسیدن سؤال و ارزیابی کردن. به خاطر داشته باشیم که نقادی کردن به معنی زیر سؤال بردن و کم ارزش جلوه دادن چیزها نیست. گاهی نقد کردن برای تحلیل سازنده و ایجاد درک بهتر از آنچه که اتفاق افتاده است به کار می رود. نقد یعنی نه بی دلیل چیزی را بپذیریم و نه بی دلیل آن را رد کنیم.

تفکر انتقادی: (Critical thinking)

در واقع تفکر انتقادی شاخه ای از منطق است که منطق کاربردی نامیده می شود. این منطق باعث ابهام زدایی، روشن اندیشی، افزایش توان استدلال و نقادی و رشد انضباط ذهنی می شود. بنابراین از اهداف عمده منطق کاربردی نظم و ترتیب و روشنی در فکر و اجتناب از کلی گویی و کلی بافی



است و به تعبیری دیگر، اجتناب از خطای در تفکر است. درست اندیشیدن در تلاش برای یافت آگاهی قابل اعتماد در جهان. این روش شامل فرایندهای ذهنی تشخیص، تحلیل و ارزیابی داده ها است. به بیانی دیگر، هنر اندیشیدن پیرامون اندیشیدن خودتان در حالی که شما می خواهید اندیشه تان را بهتر، روشن تر، دقیق تر، یا قابل دفاع تر بنمایید.

تفکر انتقادی مهارتی است که باید آموخته شود و به معنی تفکر صحیح برای ارزیابی مسائل است. در واقع روشی است که با بررسی اطلاعات داده شده به قضاوت در خصوص درست یا غلط بودن آنها می پردازیم.

تفکر انتقادی، تفکری است که در جستجوی شواهد، دلایل و مدارک برای یک قضاوت و نتیجه گیری است.

بهترین شیوه آموزش تفکر انتقادی به کودکان، این است که به آنها کمک کنیم علت و معلول ها را بشناسند. آنها باید یاد بگیرند چگونه اطلاعات لازم را بدست آورند و از این اطلاعات استفاده کنند.

خصوصیات افراد با تفکر انتقادی:

- ✓ در باره عقاید جدید فکر می کنند.
- ✓ در پی کسب اطلاعات بیشتر هستند.
- ✓ اطلاعاتشان را از منابع معتبر به دست می آورند.
- ✓ سؤال می کنند و از سؤال کردن نمی ترسند.
- ✓ سعی می کنند بین اطلاعاتی که دارند ارتباط برقرار کنند.
- ✓ واقعیت را از عقیده شخصی جدا میکنند.
- ✓ درباره چیزی که نمی دانند بحث نمی کنند.
- ✓ سعی می کنند حرف دیگران را بفهمند و حرفشان را به دیگران بفهمانند.
- ✓ براساس اطلاعات قضاوت می کنند.
- ✓ افراد با تفکر نقاد می توانند مستقل فکر کنند.
- ✓ مشکلات را شناسایی کنند، اطلاعات مربوط را جمع آوری و تجزیه تحلیل کرده و نتیجه بگیرند.

